خبر روز

نامه انجمن علمی روان‌پزشکان به وزیر بهداشت

نگرانی از کمبود داروهای روان‌پزشکی

رئیس انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در نامه‌ای به محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، از کمبود داروهای روان‌پزشکی اعلام نگرانی کرد. در متن نامه وحید شریعت آمده است: «انجمن علمی روان‌پزشکان ایران، بر پایه گزارش‌های مستمر دریافتی از روان‌پزشکان، مراکز درمانی، بیماران و خانواده‌های آنان در استان‌های مختلف، نگرانی جدی خود را از تداوم و تشدید کمبود برخی داروهای ضروری روان‌پزشکی به استحضار می‌رساند. کمبود داروهای روان‌پزشکی مسئله‌ای تازه یا مقطعی نیست. طی سال‌های گذشته، به‌صورت مکرر برخی داروهای مورد استفاده در درمان اختلالات خلقی، اختلالات سایکوتیک، اختلال کم‌توجهی-بیش‌فعالی و سایر اختلالات روان‌پزشکی، با کاهش تولید، توزیع نامنظم یا فقدان موقت در بازار مواجه شده‌اند. این وضعیت در ماه‌های اخیر، بر اساس گزارش‌های دریافتی انجمن، گسترده‌تر و نگران‌کننده‌تر شده است.
انجمن از دیرباز با کمک شاخه‌های استانی، سازوکاری منظم برای گردآوری اطلاعات کمبود داروهای روان‌پزشکی برقرار کرده و از شاخه‌ها می‌خواهد در پایان هر فصل، یعنی هر سه ماه یک بار، گزارش جامعی از وضعیت کمبودهای دارویی استان خود را به دبیرخانه انجمن ارسال کنند تا پس از تجمیع و تحلیل در سطح ملی، به مراجع مسئول منعکس شود. افزون بر این گزارش‌های ادواری، موارد حاد و جدید کمبود نیز به‌صورت موردی و در مواردی با فاصله‌های کوتاه‌تر به سازمان غذا و دارو اعلام و پیگیری شده است.
در همین راستا انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در نامه مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ خطاب به رئیس سازمان غذا و دارو و معاون درمان وزارت بهداشت، با ارائه فهرستی از اقلام کمیاب یا نایاب روان‌پزشکی، بر طولانی‌مدت و گاه مادام‌العمر بودن درمان بسیاری از اختلالات روان‌پزشکی، آسیب‌پذیری بخشی از بیماران و خانواده‌های آنان و خطر عود بیماری و افزایش هزینه‌های نظام سلامت در پی قطع درمان تأکید کرد. در ادامه این نامه آمده است: «انجمن همچنین در نامه مورخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۵ به رئیس سازمان غذا و دارو و معاون درمان وزارت بهداشت، بار دیگر فهرست به‌روز کمبودهای دارویی را اعلام و نسبت به پیامدهای کمبود و افزایش قیمت برخی داروهای ضروری و نیز دشواری‌های ایجادشده در زنجیره تأمین ابراز نگرانی کرد. بنابراین کمبودهای کنونی ادامه مسئله‌ای است که انجمن در مقاطع مختلف، چه پیش از دو جنگ تحمیلی و چه پس از آن، علاوه بر رصد، مستندسازی و به مسئولان ذی‌ربط اعلام کرده است. در کنار گزارش‌های میدانی انجمن، مسئولان حوزه دارو نیز در ماه‌های گذشته به برخی مشکلات مؤثر بر تأمین دارو، ازجمله محدودیت منابع مالی و ارزی، افزایش هزینه مواد اولیه و حمل‌ونقل و فشارهای اقتصادی وارد بر تولید اشاره کرده‌اند. رئیس سازمان غذا و دارو نیز در سال ۱۴۰۵ از ضرورت تأمین منابع مالی و ارزی برای کاهش کمبودها سخن گفته است». همچنین در این نامه خطاب به وزیر بهداشت عنوان شد: «درمان بسیاری از اختلالات روان‌پزشکی، به‌ویژه اختلالات خلقی و سایکوتیک، طولانی‌مدت و در مواردی مادام‌العمر است. قطع ناخواسته درمان، دسترسی نامنظم به دارو یا تغییرات ناگهانی در درمان می‌تواند در برخی بیماران موجب برهم‌خوردن ثبات درمانی و افزایش خطر عود، تشدید نشانه‌ها و بستری مجدد شود. از این‌رو، دسترسی مستمر و قابل پیش‌بینی به داروهای ضروری، جزء جدایی‌ناپذیر تداوم درمان و پیشگیری از پیامدهای جدی بیماری است.
مسئله کمبود داروهای روان‌پزشکی را نمی‌توان صرفا با جایگزینی یک نام تجاری با نامی دیگر مرتفع دانست. در برخی موارد، کمبود مربوط به اصل دارو یا شکل دارویی مورد نیاز است و در برخی بیماران نیز تغییر ناگهانی فراورده یا برنامه درمانی نیازمند ارزیابی و نظارت پزشک است.
پیامدهای کمبود دارو محدود به علائم بیماری باقی نمی‌ماند. جست‌وجوی مکرر بیمار و خانواده برای یافتن دارو در داروخانه‌های متعدد، مراجعه به شهرهای دیگر یا روی‌آوردن به بازارهای غیررسمی، خود به منبع مستقلی از اضطراب، فشار روانی و اقتصادی بر خانواده و کاهش اعتماد به نظام سلامت تبدیل می‌شود.
علاوه بر این موارد، دسترسی باثبات به دارو بخشی از امنیت سلامت و احساس اطمینان عمومی است. هنگامی که تأمین نیازهای اساسی و قابل پیش‌بینی بیماران دچار نوسان شود، کمبود واقعی ممکن است با «انتظار کمبود» همراه شود. چنین وضعیتی می‌تواند به خرید بیش از نیاز، ذخیره‌سازی خانگی، توزیع نابرابر و شکل‌گیری بازار غیررسمی منجر شود و چرخه کمبود را تشدید کند. در این میان، بیماران کم‌برخوردار، ساکنان مناطق دور از مراکز بزرگ و مبتلایان به اختلالات شدید روان‌پزشکی، آسیب‌پذیری بیشتری دارند. با توجه به مراتب فوق، انجمن علمی روان‌پزشکان ایران تقاضا دارد دستور فرمایید موضوع تأمین پایدار داروهای ضروری روان‌پزشکی با فوریت در سازمان غذا و دارو و سایر مراجع ذی‌صلاح رسیدگی شود و سازوکاری روشن برای پایش موجودی، تولید، واردات و توزیع این داروها و اعلام زمان‌بندی رفع کمبود هر یک از اقلام مورد نیاز ایجاد شود. همچنین ضروری است تخصیص و انتقال منابع ارزی، ترخیص مواد اولیه و داروهای ضروری و تأمین ذخایر راهبردی داروهایی که وقفه در مصرف آنها می‌تواند پیامدهای بالینی جدی در پی داشته باشد، با اولویت انجام شود. مسائل مرتبط با نقدینگی شرکت‌های دارویی، مطالبات معوق، بدهی سازمان‌های بیمه‌گر و مشکلات اقتصادی مؤثر بر استمرار تولید هم نیازمند تعیین تکلیف فوری است؛ به نحوی که اصلاحات لازم در نظام تأمین و قیمت‌گذاری، هزینه اضافی و غیرقابل تحملی را به بیمار و خانواده منتقل نکند. انجمن علمی روان‌پزشکان ایران همچون گذشته آمادگی دارد در مراحل بعدی و در چارچوب مسئولیت علمی و تخصصی خود، برای پیگیری این موضوع و همکاری با وزارت بهداشت، سازمان غذا و دارو و سایر مراجع ذی‌ربط همراهی و همکاری لازم را به عمل آورد».

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) مؤسسه انجمن علمی نانوفناوری پزشکی ایران با شماره ثبت ۲۸۷۷۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۲۸۵۷۱
احتراما با توجه به اینکه مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن علمی نانوفناوری پزشکی ایران در تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۱ به علت به حدنصاب نرسیدن حاضرین جلسه ، رسمیت پیدا نکرد. بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی نانوفناوری پزشکی ایران برای حضور در مجمع عمومی عادی نوبت دوم که در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ از ساعت ۱۳:۰۰ تا ۱۵:۰۰ به نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان قدس، خیابان ایتالیا، دانشکده فناوری های نوین پزشکی، پلاک ۸۸ طبقه دوم برگزار می گردد دعوت به عمل می‌آید. **دستور جلسه** : ۱ - تعیین اعضای کمیته نظارت بر انتخابات انجمن ۲ - تعیین تاریخ برگزاری انتخابات ۳ -سایر موارد
هیئت مدیره انجمن علمی نانوفناوری پزشکی ایران

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب صدیقه شیرزاد** فرزند سیامک به شماره شناسنامه ۱۲۲۳۹، به کد ملی ۰۰۷۵۳۴۷۸۲۲ ، صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال مورخ سال ۱۳۸۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده خواهشمند است دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به آدرس : تهران، بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق)، خروجی حکیمیه، خیابان شهید صدوقی، بلوار بهار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.



گزارش «شرق» از افزایش گلایه‌ها از فاصله میان درآمد، هزینه‌های زندگی و شرایط کار در مدارس

برگه‌های سفید؛ اعتراض معلمان

محمدحسین موسوی: ویدئوهای زیادی در روزهای اخیر از استعفای برخی معلمان منتشر شده است؛ وجه مشترک تمام آنها، برگه استعفا، لبخند تلخ و آرزوی «شرایطی بهتر» است. گفت‌وگوی «شرق» با «سمیه شهریسوند»، معلمی با ۲۶ سال سابقه کار و «محمد حبیبی»، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، نشان می‌دهد ریشه اصلی این استعفاها، وضعیت معیشتی معلمان است؛ وضعیتی که از چشم «علیرضا کاظمی»، وزیر آموزش و پرورش نیز دور نمانده و او در سخنرانی اول مهر خود در یکی از مدارس مشهد، تلاش برای «ارتقای منزلت و بهبود معیشت معلمان شریف و عزیز» را از اهداف وزارتخانه خود در سال جدید تحصیلی دانسته است.

حقوقی که حتی ۱۰ روز نیز دوام نمی‌آورد

«سمیه شهریسوند» معلم فیزیک یک مدرسه دولتی در شهر همدان است. او ۲۶ سال سابقه تدریس دارد و در خوزستان و لرستان نیز معلمی کرده است: «من جزء آخرین نسل از دانشجویان دبیری در دانشگاه‌های مادر بودم که جذب آموزش و پرورش شدم. پس از ما دیگر به این صورت جذب معلم صورت نگرفت». او می‌گوید با وجود این سابقه و تجربه بالا، حقوق دریافتی‌اش تناسبی با هزینه‌های واقعی زندگی ندارد: «حقوق دریافتی من بدون کسر هرگونه وام یا هزینه خاص و فقط با کسورات اجباری مانند هزینه صندوق بازنشستگی و بیمه، حدود ۲۹ میلیون تومان است. با این حقوق، اگر درآمد همسرم نبود، حقوق من حتی برای یک زندگی مجردی در منزل پدری هم کافی نیست. حتی به نظرم اگر همسرم معلم بود و حقوقی هم‌اندازه من می‌گرفت نیز ما در چرخاندن زندگی مشکل داشتیم». او مسئول مدیریت مخارج زندگی مشترکشان است و می‌گوید حقوقش حتی به نیمه ماه نرسیده، تمام می‌شود: «اغلب در همان ۱۰ روز اول ماه و گاهی اگر مخارج پیش‌بینی‌نشده‌ای مثل خرابی یک وسیله، مریضی و چنین اتفاقاتی بیفتد، همان دو تا سه روز اول، حقوق من کاملا تمام می‌شود. معمولا نیز همیشه یک خرج پیش‌بینی‌شده هست و حقوق من به‌ندرت تا دهم هر ماه می‌رسد». این معلم می‌گوید شغل او به‌جز پرداخت یک الی دو میلیون تومان توسط دولت، در مناسبات خیلی خاصی که بیش از دو بار در سال نیز نمی‌شود، مزایای دیگری ندارد: «اگر حرف از مهم‌ترین فشارهای اقتصادی باشد، باید گفت به علت تورم بسیار بالایی که وجود دارد، فقر به سفره ما رسیده و اکنون بخش زیادی از زندگی معلم‌ها درگیر تأمین تغذیه‌شان شده است. هفته گذشته خودم یک نفر میهمان داشتم و برای خرید گوشت، میوه و اندکی تنقلات لازم برای یک پذیرایی آبرومندانه، یک‌سوم حقوقم را یعنی بیش از ۱۰ میلیون تومان خرج کردم؛ به نوعی من یک‌سوم درآمد یک ماه خود را برای یک میهمانی تک‌نفره از دست دادم». «شهریسوند» به کارهای فرسایشی و بوروکراسی بی‌اثر در ساختار آموزش و پرورش اشاره می‌کند؛ موضوعی که وقت‌گیر و بی‌فایده است: «یکی از مشکلات معلمان که هرچه زمان گذشته شدیدتر شده، حجم کارهای بیهوده و وقت‌گیری است که وقت استراحت و منزل ما را می‌گیرد. مثلا هر سال اداره چندین بار اسامی دانش‌آموزان ضعیف را می‌خواهد که باید بنشینیم و با دقت و با ذکر دلیل استخراج کنیم و من هنوز نفهمیده‌ام این کار چه فایده‌ای دارد؛ چون هیچ تأثیری بر سیاست‌های وزارتخانه نداشته است. یا در طرح‌های نماد، شهاب و... انبوهی از گزاره‌ها را برای تک‌تک شاگردان باید پاسخ دهیم، ولی هیچ‌وقت نفهمیدیم اینها چه فایده‌ای دارد؛ چون من ندیده‌ام برنامه‌ای برای استفاده از این داده‌ها و اطلاعات وجود داشته باشد». او درباره تراکم بیش از حد کلاس‌ها و فقر امکانات اولیه در مدارس دولتی می‌گوید: «تراکم کلاس‌ها به‌ویژه در مقطع دبستان و رشته تجربی متوسطه دوم واقعا زیاد است. کمبود فضا در دبستان‌ها بیداد می‌کند، مدرسه‌ای که ۶۰۰ دانش‌آموز دارد مجبور است آنها را به حیاطی با مساحت ۲۰۰ متر مربع بفرستد. همین‌طور فضای ورزشی به‌ندرت وجود دارد و کتابخانه و حتی سرویس بهداشتی معلمان نیز اکثرا وجود ندارد. سال گذشته کلاس ششم من ۴۵ دانش‌آموز داشت. اغلب کلاس‌ها به حدی شلوغ است که حتی نمی‌توان بین دانش‌آموزان جابه‌جا شد و به روند یادگیری نظارت کرد. در مدارس دولتی حتی وجود تخته مناسب و تخته‌پاک‌کن و ماژیک امکانات حساب می‌شود. من معمولا تخته‌پاک‌کن و ماژیک را خودم تهیه می‌کنم؛ چون ترجیح می‌دهم از روز اول کلاسم برای کار آماده باشد نه اینکه به خاطر چنین چیزهای ساده‌ای کارم لنگ بماند. وسایل آزمایش را هم اغلب خودم با مشارکت داوطلبانه شاگردانم تهیه می‌کنیم».
این معلم باسابقه آزاردهنده‌ترین بخش کار خود را رفتارهای نامناسب کادرهای اجرائی مدارس با معلمان می‌داند: «بیشتر ما معلمان با تراکم کلاس‌ها، نبود امکانات و بوروکراسی وقت‌گیر و نامعقول کنار می‌آییم، اما وقتی با مدیرانی مواجه می‌شویم که شایسته مسند خود نیستند و به‌جای دیدن تلاش‌های بی‌دریغ معلمان، آنها را آزار می‌دهند، خستگی در تنمان می‌ماند. متأسفانه روز به روز تعداد این شکل از مدیران بیشتر می‌شود؛ چون به علت مشکلات سیستم آموزش و پرورش، افراد شایسته اغلب از پذیرش این مسئولیت‌ها خودداری می‌کنند». در نهایت «سمیه شهریسوند» می‌گوید با وجود اینکه عوامل متعددی هستند که باعث فرسودگی شغلی معلمان شده‌اند، آن عامل نهایی و مهم «مشکلات شدید اقتصادی» است: «تیر خلاص را مشکلات شدید اقتصادی زده است؛ حقیقتا با این حقوق نمی‌توان زندگی کرد و از همه بدتر معلمان جوان با این درآمد تقریبا غیرممکن است بتوانند صاحب خانه و زندگی شوند یا ازدواج کنند، در نتیجه به دنبال راه خروج می‌گردند».

این یک اعتراض صنفی و مدنی است

«پیش از هر چیز باید با احتیاط درباره ابعاد این پدیده صحبت کرد. صرف انتشار تعدادی ویدئو به‌تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره میزان استعفاها کافی نیست و آمار رسمی و مستقلی نیز منتشر نشده است. در عین حال، این ویدئوها را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا بازتاب‌دهنده بخشی از واقعیت زندگی معلمان هستند. در روزهای اخیر، انتشار این ویدئوها به موضوعی عمومی تبدیل شده و واکنش‌های متفاوتی را نیز برانگیخته است». محمد حبیبی، معلم و سخنگوی «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» است. او می‌گوید حتی اگر تعداد استعفاها محدود باشد نیز چیزی از اهمیت این موضوع کم نمی‌شود: «وقتی معلمی که سال‌ها در کلاس درس بوده، تصمیم می‌گیرد از حرفه‌ای که با عشق انتخاب کرده فاصله بگیرد، این یک هشدار جدی درباره وضعیت آموزش عمومی است. استعفای معلم فقط ازدست‌رفتن یک نیروی انسانی نیست؛ ازدست‌رفتن تجربه، سرمایه اجتماعی و کیفیت آموزش است». از نظر او، این اقدام در راستای اعتراضاتی است که معلمان در سال‌های اخیر نسبت به وضعیت معیشتی خود داشته‌اند. در فیلم‌های منتشرشده، برخی معلمان ناامیدی خود از بهبود شرایط را علت استعفا نامیده‌اند؛ حبیبی در این‌باره می‌گوید: «این احساس یک‌شبه ایجاد نشده است. سال‌هاست که معلمان درباره مشکلات معیشتی، تبعیض در پرداخت‌ها، کاهش کیفیت آموزش و محدودشدن فعالیت‌های صنفی هشدار داده‌اند. هر بار وعده‌هایی داده شده، اما فاصله میان وعده و واقعیت بیشتر شده است. به‌ویژه در سال‌های اخیر، با افزایش تورم، کاهش قدرت خرید، بحران‌های اقتصادی و فشارهای ناشی از تحولات کشور، بسیاری از معلمان احساس کرده‌اند که چشم‌انداز روشنی برای بهبود شرایط وجود ندارد. نتیجه این وضعیت، فرسودگی شغلی و ناامیدی بخش عمده‌ای از بدنه آموزش و پرورش است». او به فاصله چشمگیر درآمد یک معلم با هزینه‌های واقعی زندگی اشاره می‌کند: «به نظر من، برخلاف آمارهای مسئولان آموزش و پرورش میانگین کلی دستمزد معلمان همین ۲۵ میلیون تومان است و از طرفی میانگین خط فقر بر اساس آمارهای رسمی در شهرهای بزرگ بین ۷۵ تا ۹۰ میلیون تومان است. اگر ملاک را همان ۷۵ میلیون تومان در نظر بگیریم، دریافتی یک معلم تقریبا سه برابر زیر خط فقر است. این شکاف دستمزدی در طول ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه است و وقتی درآمد یک معلم فاصله چشمگیری با هزینه‌های واقعی زندگی دارد، طبیعی است که این شکاف بر کیفیت زندگی و انگیزه شغلی او اثر بگذارد. معلمی که دائما نگران تأمین هزینه‌های اولیه زندگی است، ناچار بخشی از انرژی خود را صرف یافتن شغل دوم یا سوم می‌کند». نتیجه این مسئله نیز مستقیم در کلاس درس مشهود می‌شود؛ حبیبی می‌گوید: «این وضعیت فقط یک مسئله فردی نیست؛ پیامد آن مستقیم به کلاس درس و کیفیت آموزش منتقل می‌شود. جامعه‌ای که آموزش را سرمایه‌گذاری برای آینده می‌داند، باید شرایطی فراهم کند که معلم بتواند با آرامش و تمرکز به کار حرفه‌ای خود بپردازد». سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران می‌گوید برداشت مسئولان آموزش و پرورش از انتشار ویدئوهای استعفا معلمان به‌عنوان شایعه یا فضاسازی، برداشتی غیرمنطبق بر واقعیات است: «اگر بخشی از معلمان درباره مشکلات معیشتی و شرایط کاری خود سخن می‌گویند، مناسب‌ترین پاسخ، بررسی دقیق این مطالبات و ارائه راه‌حل است. در روزهای اخیر، برخی مقام‌های وزارت آموزش و پرورش انتشار این ویدئوها را «شایعه» یا «فضاسازی» توصیف کرده‌اند، درحالی‌که همزمان گزارش‌ها و روایت‌های مختلفی درباره دغدغه‌های معلمان نیز منتشر شده است. از نگاه شورای هماهنگی، ریشه اصلی نارضایتی‌ها را باید در مسائل داخلی آموزش و پرورش جست‌وجو کرد؛ ازجمله شکاف میان درآمد و هزینه‌های زندگی، کمبود نیروی انسانی، تراکم بالای کلاس‌ها، کاهش منزلت حرفه‌ای معلمان و انباشته‌شدن مطالبات بی‌پاسخ. نسبت‌دادن این مشکلات به فضاسازی رسانه‌ها و عوامل خارجی صرفا پاک‌کردن صورت‌مسئله است». در پایان، محمد حبیبی از چند اقدام فوری نام می‌برد که باید برای بهبود زیست و معیشت معلمان انجام شود: «اولی ترمیم واقعی حقوق معلمان متناسب با هزینه‌های زندگی و نرخ تورم است. دوم، باید قوانین مرتبط با حقوق و مزایای فرهنگیان بدون تبعیض و به‌شکل کامل اجرا شود. سوم، ما معتقدیم باید از طریق اصلاح نظام پرداخت و تأمین رفاه شغلی، فشارهای معیشتی به معلمان کاهش یابد و در انتها نیز باید در کنار گفت‌وگوی مؤثر و مستمر با تشکل‌های صنفی مستقل درباره مشکلات و راه‌حل‌های آن، کیفیت آموزش، نیروی انسانی و منزلت حرفه‌ای معلمان افزایش یابد. اگرچه درباره این موارد معلمان سال‌هاست به شکل‌های مختلف اعتراضات خود را به‌صورت مسالمت‌آمیز نشان می‌دهند و این استعفاها شکل دیگری از همین اعتراضات مدنی است، اما متأسفانه هرگز تاکنون توجه کافی دریافت نکرده‌اند».

آن چیزکه عیان است...

بحران معیشتی معلمان جزء ثابت سخنان مسئولان آموزش و پرورش در یک سال اخیر بوده است. هشت مهر ۱۴۰۵، «علیرضا کاظمی»، وزیر آموزش و پرورش گفت: «معیشت فرهنگیان صرفا به افزایش حقوق محدود نمی‌شود، بلکه باید در قالب یک بسته جامع معیشتی شامل مسکن، خدمات بیمه و سلامت، تسهیلات بانکی و خدمات رفاهی و گردشگری ارتقا یابد». او با پذیرش کاستی‌های موجود، در جمع مدیران آموزشی گفت: «فاصله با وضعیت مطلوب همچنان زیاد است. من در برابر همکاران فرهنگی شرمنده هستم، اما معیشت معلمان خط قرمز ما در آموزش و پرورش است و شخص رئیس‌جمهور نیز جلسات متعددی را به پیگیری این پرونده اختصاص داده‌اند». این شاید جدیدترین اظهارات باشد، اما تداوم چیزی است که در یک سال اخیر در حال اتفاق‌افتادن است. از دی‌ماه ۱۴۰۴ با ابلاغ آیین‌نامه اصلاحی نظام رتبه‌بندی، وعده‌های هشتم مهر وزیر آموزش و پرورش حالتی رسمی یافته بود. آیین‌نامه‌ای که پس از ماه‌ها اعتراض به ابهامات شیوه اجرای اولیه رتبه‌بندی به تصویب هیئت وزیران رسید و تلاش داشت معلمان فاقد رتبه و نوآموزگاران را به دایره شمول اضافه کند. وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگویی درباره ابعاد این طرح اظهار کرد: «۲۳۰ هزار معلمی که از مزایای رتبه‌بندی جا مانده بودند، تعیین تکلیف شدند و احکام ارتقای آنها صادر شد تا دریافتی‌ها متناسب با شایستگی‌های حرفه‌ای ترمیم شود»؛ اقدامی که با ابلاغ به ادارات کل استانی از اواخر دی‌ماه، روی فیش‌های حقوقی دی و بهمن فرهنگیان اثر گذاشت. در کنار احکام پایه‌ای، جبران کسری دریافتی‌ها از طریق ترمیم نرخ ساعات غیرموظف در کانون بحث قرار گرفت. بر اساس گزارش معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارتخانه، نرخ ساعت حق‌التدریس معلمان با جهشی حدود ۱۳۵درصدی، از کف ۴۴ هزار تومان به میانگین ۱۰۴ هزار تومان افزایش یافت تا دست‌کم بخشی از بار ساعات اضافه تدریس در مدارس جبران شود و تعهد بر پرداخت هم‌زمان آن با حقوق ماهانه استوار شود. با این حال، دامنه بحران معیشتی تنها به شاغلان محدود نماند؛ بازنشستگان سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ که مشمول احکام رتبه‌بندی نشده بودند، بارها صدای اعتراض خود را بلند کردند. در پاسخ به این انباشت بدهی، وزیر آموزش و پرورش از توافق با سازمان برنامه و بودجه خبر داد و عنوان کرد: «اعتبار هفت هزار میلیارد تومانی صرفا برای تسویه مطالبات و احکام معوق ناشی از رتبه‌بندی اختصاص یافته تا بازنشستگان فرهنگی به حق قانونی خود دست یابند». در تمام این اقدامات و سخنان، آشکار است که وضعیت معیشتی معلمان از چشم وزارت آموزش و پرورش دور نمانده است و به همان میزان که معلمان و کادر آموزشی مدارس درگیر این مسائل هستند، وزارت آموزش و پرورش نیز به آن آگاه است.

«اگر حرف از مهم‌ترین فشارهای اقتصادی باشد، باید گفت به علت تورم بسیار بالایی که وجود دارد، فقر به سفره ما رسیده و اکنون بخش زیادی از زندگی معلم‌ها درگیر تأمین تغذیه‌شان شده است. هفته گذشته خودم یک نفر میهمان داشتم و برای خرید گوشت، میوه و اندکی تنقلات لازم برای یک پذیرایی آبرومندانه، یک‌سوم حقوقم را یعنی بیش از ۱۰ میلیون تومان خرج کردم؛ به نوعی من یک‌سوم درآمد یک ماه خود را برای یک میهمانی تک‌نفره از دست دادم»

یادداشت

اهل ساختن، اهل بخشیدن

ادامه از صفحه اول

همان روز، در مراسم روز جهانی گردشگری، از مسعود صرامی نیز تجلیل شد. حاضران به احترامش برخاستند و حدود یک دقیقه ایستاده او را تشویق کردند؛ ادای احترام به کارآفرینی که بخش مهمی از عمر، اعتبار و ثروت خود را صرف ساختن کرده است. صرامی متواضعانه روی صحنه آمد و کوتاه سخن گفت.
ساعتی بعد، همراه معاون گردشگری برای بازدید از شهرک سلامت رفتیم. آنجا با شنیدن روایت صرامی از مسیری که برای ساخت این مجموعه پیموده بود، معنای آن تشویق ایستاده روشن‌تر شد.
شهرک سلامت فقط مجموعه‌ای از مطب‌ها و مراکز درمانی نیست؛ شهری کوچک برای سلامت است که می‌کوشد زنجیره تشخیص و درمان را در یک مجموعه گرد آورد. بیمار و خانواده‌اش قرار نیست برای هر مرحله از درمان در گوشه‌ای از شهر سرگردان شوند. این مجموعه، افزون بر ظرفیت درمانی، می‌تواند اصفهان را به یکی از قطب‌های گردشگری سلامت منطقه تبدیل کند.
وقتی صرامی خود روایت ساختن شهرک را آغاز کرد، احساس نمی‌کردیم تاجری در حال معرفی محصول تجاری‌اش است؛ با آفریننده‌ای روبه‌رو بودیم که با شوق از آفریده‌اش سخن می‌گفت؛ شبیه باغبانی که درختانش را یک‌به‌یک نشان می‌دهد و از روییدن هر شاخه به وجد می‌آید. شهرک سلامت در روایت او فقط ساختمان و تجهیزات نبود؛ بخشی از عمرش بود که به امکان تشخیص، درمان و کاهش رنج بیماران تبدیل شده بود. پشت هر بخش آن، داستانی از دشواری، مانع، زمین‌خوردن و دوباره برخاستن وجود داشت.
روایت او، روایت یک موفقیت بی‌دردسر نبود؛ روایت کودکی یتیم بود که روزی در پناه یک مؤسسه خیریه بزرگ شد و امروز خود برای هزاران نفر امکان کار، درمان و زندگی بهتر آفریده است. کودکی که زمانی دریافت‌کننده خیر بود، اکنون به آفریننده خیر عمومی تبدیل شده است. در سخنانش، پیروزی مهم بود، اما جنگیدن مهم‌تر. آدم به یاد آن سخن رومن رولان می‌افتاد: «تعهد ما به پیروزی نیست؛ تعهد ما به جنگیدن است». شهرک سلامت برای صرامی فقط نشانه رسیدن نبود؛ گواه کوتاه‌نیامدن بود؛ گواه انسانی که دشواری را انکار نکرده، اما اجازه نداده است دشواری آخرین کلمه را بگوید.
تفاوت دارنده ثروت با کارآفرین آفریننده شاید همین باشد. یکی فقط مالک دارایی است؛ دیگری بخشی از عمر، خیال و رنج خود را در چیزی می‌گذارد که می‌سازد. برای او پروژه عددی در ترازنامه نیست؛ آفریده‌ای است که باید چیزی بر زندگی دیگران بیفزاید. بهترین بخشش نیز همیشه کمک مقطعی نیست؛ گاهی باید مدرسه‌ای ساخت، درمانی را ممکن کرد، شغلی پایدار آفرید و نهادی به وجود آورد که سال‌ها پس از سازنده‌اش همچنان به مردم خدمت کند. این همان نقطه‌ای است که ساختن و بخشیدن به یکدیگر می‌رسند. بعضی‌ها فقط در یک سرزمین زندگی می‌کنند؛ بعضی‌ها چیزی بر امکان زندگی در آن می‌افزایند. سه برادر ملااحمدی و مسعود صرامی از اهل گروه دوم هستند: اهل ماندن، اهل آفرینش؛ اهل ساختن، اهل بخشیدن. ایران در روزهای سخت، بر شانه همین آدم‌ها ایستاده است.

قلدرکل و شرارت مطلق

ادامه از صفحه اول

وقتی یک رئیس دولت به‌صراحت از این واقعیت پرده برمی‌دارد که رژیم صهیونیستی کارهای کثیف آن دولت و متحدانش را انجام می‌دهد، وقتی به قول رئیس‌جمهور کشورمان بمب‌های هسته‌ای در فلسطین اشغالی ذخیره شده‌اند و بازرسان آژانس برای بازرسی از مراکز تحقیقات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران اصرار می‌ورزند، وقتی بر اساس مقررات بین‌المللی تلاش برای تسلط بر دانش هسته‌ای به دلیل احتمال ساخت سلاح کشتارجمعی با محدودیت‌های شدید روبه‌رو است، اما تلاش برای به‌کارگیری فناوری‌های نوین در خدمت تروریسم دولتی که سلاحی به مراتب خطرناک‌تر و مخرب‌تر از سلاح هسته‌ای است، هیچ‌گونه منع قانونی ندارد، می‌توان این ادعا را پذیرفت که محور شرارت همان قدرتی است که رئیس‌جمهور کشورمان به درستی از او با عنوان «قلدر کل» یاد کرد.